



حسین (ع) بود یا شهید عبدالله میثمی که نماینده امام (ره) در قرارگاه خاتم و سپاه استان فارس بود. جا دارد از شهدای دیگر استان فارس نظیر شهیدان محمد کدخدا، مهدی زارع، حق پرست، اسلامی نسب، امان الله عباسی، ولی صفرزاده، حبشی، ابراهیم باقری، مسلم شیرافکن و بسیاری از شهدای دیگر نیز یاد کنیم؛ یا شهید مجید سپاسی که در کربلای ۵ مجروح شد و در اواخر جنگ در حلبچه به شهادت رسید.

انتشار اسناد در پاسخ به شبهات جنگ مؤثر است
به عنوان سوال آخر، در طول سال‌های اخیر خصوصاً شبهات زیادی در خصوص جنگ و عملکرد فرماندهان و نتایج عملیات مطرح می‌شود. یکی از این شبهات درباره عملیات کربلای ۴ بود. شما به عنوان رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس چه راهکاری برای مقابله با این شبهات برای نسل‌های جوان و آینده که شاید اطلاعات کاملی از دفاع مقدس نداشته باشند، دارید؟

یکی از راهکارها این است که مراکز نظیر مرکز اسناد و تحقیقات جنگ سپاه، بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس و پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس فعالیت خود را در حوزه نشر و انتشار اسناد جنگ بیشتر کرده و کارهای پژوهشی خود را توسعه دهند. در گذشته، سردار شهید احمد سوداگر که بنیانگذار پژوهشگاه علوم معارف دفاع مقدس بود، توانست بخشی از معارف جنگ را وارد کتب آموزشی کند. امروز دو واحد درس اختیاری برای دانشجویان تحت عنوان «آشنایی با دفاع مقدس» و چند رشته مثل جغرافیا، ادبیات پایداری (در سطح کارشناسی ارشد) و معارف دفاع مقدس (در سطح کارشناسی) در وزارت علوم تصویب شده و در حال تدریس شدن در برخی دانشگاه‌ها هستند که البته کم است و در همه جا تدریس نمی‌شوند. از طرف دیگر، روایان در زمان جنگ در کنار همه فرماندهان حضور داشتند و همه اسناد و مدارک جنگ ثبت و ضبط شده و فکر می‌کنم انتشار همین اسناد می‌تواند در پاسخ به شبهات بسیار مؤثر باشد. البته ما باید از این اسناد در کتاب‌های آموزش و پرورش هم استفاده کنیم. ما برای این منظور، حدود یک ماه قبل، جلسه‌ای با وزیر محترم آموزش و پرورش برگزار کردیم. این جلسات با مؤلفان کتب درسی نیز ادامه دارد. ما معتقدیم اگرچه موضوعاتی نظیر حسین فهمیده در کتب آموزشی ما وجود دارد اما بسیار کم است و باید از گنجینه دفاع مقدس استفاده وسیع‌تری شود. اگر این موارد گفته نشود، وقتی دانش‌آموزان از مقطع متوسطه فارغ التحصیل شده وارد دانشگاه می‌شوند با شبهاتی روبه‌رو خواهند شد. اینکه ما بیابیم چرایی و چگونگی شروع جنگ، ادامه جنگ و پایان جنگ را بررسی کنیم، خودش دنیایی از اسناد است. البته وزیر محترم آموزش و پرورش همکاری خوبی دارد. گروه‌های کارشناسی نیز تشکیل شده و تفاهم‌نامه‌هایی در دستور کار قرار دارد. ما به این سمت می‌رویم که وارد آموزش ابتدایی شویم. اگر اکنون به این شیوه عمل نکنیم و از گنجینه دفاع مقدس با زبان روانشناسی و روانشناختی خاص خود در کتب درسی بهره نبریم، در آینده با سندهای ۲۰۳۰ دیگری در حوزه‌های جهانی سازی روبه‌رو خواهیم شد.

بوارین، به لشکر ۱۹ فجر و ۱۴ امام حسین دستور داده شد که با حملات پی‌درپی بالای جزیره را بگیریم تا شلمچه تکمیل شود. در آن عملیات شهید هاشم اعتمادی فرمانده تیپ امام حسن (ع) ما بود، شهید روزی طلب مسئول پرسنلی و معاون نیروی انسانی و شهید محمد غیبی هم جانشین تیپ بود که به همراه یکی دو نفر دیگر، در شب قبل از عملیات در اول جزیره بوارین توسط نیروهای عراقی به شهادت رسیدند. البته بلافاصله گردان‌های لشکر حمله کرده و منطقه را تصرف کردند اما این سه کادر تیپ امام حسن (ع) که به عنوان یک تیپ مستقل در کنار لشکر فجر و المهدی (عج) بود به شهادت رسیدند. ناو تیپ امیرالمؤمنین نیز از بوشهر به لشکر فجر مأمور شده بود و این سازمان رزم استان فارس در کنار دیگر لشکرهای سپاه و رزمندگان در سطح فرمانده تیپ و جانشین شهید دادند. البته ما شهدای بزرگ دیگری هم در سطح فرمانده لشکر داشتیم، مثل شهید حسین خرازی که فرمانده لشکر ۱۴ امام

صحت‌هایی کردند که تقریباً نظر ما همین است. به طور کلی ماهواره‌ها و هواپیماهای شناسایی آمریکا هم در جای جای جبهه جنگ ما را رصد می‌کردند و گزارش‌های آن را به عراق می‌دادند. آن‌ها همه چیز حتی جابه‌جایی نیروها و تجمعات ما را شناسایی می‌کردند. البته ما هم عملیات فریب داشتیم. مثلاً در والفجر ۸، چیزی حدود هزار کمپرسی و کامیون را به هورالهوریزه فرستادیم و همزمان یگان‌ها، توپخانه، ماشین‌آلات و نیروهای خود را با مراعات دقیق مسائل حفاظتی برای انجام عملیات به جزیره آبادان منتقل کردیم. این عملیات فریب موفق بود، به طوری که طبق شنودی که ما داشتیم، عراقی‌ها اعلام کرده بودند ایران حتماً از هورالهوریزه و شرق دجله به سمت العماره و بصره عملیات خواهد کرد.

سازمان رزم سپاه فارس در این عملیات چگونه بود و چه کسانی از دوستان و نزدیکان شما در این عملیات به شهادت رسیدند؟
در شب ششم عملیات کربلای ۵ در جزیره

۳۰ تا ۷۰ درصد تلفات دادند. ما اسرای زیادی از آنها گرفتیم و این اسرا همانجا در منطقه تخلیه اطلاعاتی می‌شدند. اهمیت کربلای ۵ به حدی است که می‌توان گفت بر سرنوشت جنگ تأثیر زیادی داشت. یکی از این تأثیرها این بود که سازمان ملل و آمریکا، شوروی، اروپا و کشورهای عربی که تماماً پشت سر عراق بودند نشستند و قطعنامه ۵۹۸ را نوشتند تا جلوی ایران را بگیرند و به نوعی ایران را راضی کنند که دست از جنگ بردارد؛ چرا که می‌دیدند با این وضعیت، نیروهای ایرانی تا بصره و بغداد پیش می‌روند. بند اول این قطعنامه در خصوص آتش‌بس بود. در بند دوم گفته می‌شد دو طرف به مرزها برگردند. بند سوم هم این بود که اسرای دو طرف بدون قید و شرط آزاد شوند. البته این قطعنامه بندهای دیگری هم داشت. اما حضرت امام (ره) فرمود این قطعنامه متضمن حقوق ملت ایران نیست و ما در صورتی دست از دفاع برمی‌داریم که متجاوز شناسایی و مجازات شود. به همین دلیل جنگ یک سال و نیم دیگر ادامه پیدا کرد. کربلای ۵ در واقع تلخی شکست و عدم‌الفتح کربلای ۴ را به شیرینی و حلالت برای ملت ایران تبدیل کرد. هر چند ما در این دو عملیات چیزی حدود ۱۲ هزار نفر شهید دادیم که ۴ هزار نفر آن‌ها در عملیات کربلای ۴ و مابقی در کربلای ۵ به شهادت رسیدند. اما واقعاً می‌شد تفاوت میان نیروهای ما و نیروهای عراقی را دید. من خودم بالای سر جنازه عراقی‌ها می‌رفتم. برخی از آنها بلافاصله بعد از اصابت گلوله باد کرده بودند و چهره‌شان سیاه می‌شد، اما شهدای ما که فرماندهان گردان، گروهان یا بسیجی‌ها بودند چون زیر پرچم اسلام می‌جنگیدند و بهشت خدا بر آن‌ها عرضه می‌شد، چهره‌های نورانی داشتند. بعد از کربلای ۴ و ۵، عملیات کربلای ۸ نیز در همان منطقه صورت گرفت و در این ۳ عملیات، طی ۴ ماه (یعنی از دی ۶۵ تا اردیبهشت ۶۶) بخش زیادی از ارتش عراق متلاشی شد. در واقع دوسوم از استعداد ارتش بعث هم به لحاظ نیرویی و هم تجهیزاتی از بین رفت. ابهت دشمن و آمریکا شکسته شد و ما تجارب ارزشمندی را به دست آوردیم.

البته عراقی‌ها هم تلفات زیادی در کربلای ۵ دادند، اما فرق ما با آن‌ها این بود که به دلیل حمایت سنگین شرق و غرب از عراق، بلافاصله تجهیزات آن‌ها با تجهیزات جدید و مدرن جایگزین می‌شد اما ما هر آنچه داشتیم از ارتش عراق به غنیمت می‌گرفتیم.

همین باعث شد آمریکایی‌ها عملاً برای حمایت از رژیم بعث وارد خلیج فارس شوند؟

امریکایی‌ها از بعد از عملیات والفجر ۸ (در سال ۶۴) برای حمایت از عراق به خلیج فارس آمده بودند اما این حضور بعد از کربلای ۵ بیشتر شد و برخی کشورهای دیگر هم به آن اضافه شدند.

در خصوص لو رفتن عملیات کربلای ۴ صحبت‌های زیادی شده مبنی بر اینکه این عملیات توسط منافقین، یا برخی گروه‌های سیاسی مثل نهضت آزادی لو رفت، یا به نقش آمریکا در حمایت‌های شناسایی و جاسوسی از رژیم بعث اشاره می‌شود. نظر شما در این باره چیست؟

در خصوص لو رفتن عملیات کربلای ۴، افرادی مثل سردار محسن رضایی و سردار صفوی

